

دیروز «کودتا»، امروز «استحاله از داخل»

دکتر شاپور رواسانی

گران کارها گفتمی کردمی

نکوسیزت و پارسا بودمی

مدخل

در اوج جنگ ویتنام از مک نامارا وزیر دفاع آمریکا سوال کردند که برای مبارزه با چریک های ویتنامی چه باید کرد؟ مک نامارا پاسخ داد: اگر به ازای هر یک چریک ویتنامی ده سرباز آمریکایی به ویتنام اعزام شود، می توانیم چریک ها را شکست دهیم، اما دیدیم که در نهایت، آمریکا در ویتنام شکست خورد.

چند سال بعد که در تایلند یک جنبش چریکی ظهور کرد، از وزیر دفاع وقت آمریکا سوال کردند که برای مقابله با چریک ها چه باید کرد تا تجربه ویتنام تکرار نشود؟ وزیر دفاع آمریکا پاسخ داد: به ازای هر چریک ده جامعه شناس آماده کنید، در نهایت، آمریکا موفق به مهار جنبش چریکی تایلند شد.

امروز چریک های سابق در شمال غربی تایلند چه می کنند؟ بیست سال پیش این چریک ها در حالی که در یک دست تفنگ و در دست دیگر کتاب داشتند، به مقابله با آمریکایی پرداختند. امروز در یک دست چریک های تایلند همچنان تفنگ وجود دارد، اما با دست دیگرشان به جای کتاب، مواد مخدر حمل می کنند. چریک های سابق به واسطه فروش مواد مخدر تبدیل شده اند، چریک باقی مانده است، اما البته با این تفاوت که در کوله بار او به جای کتاب، امروز مواد مخدر قرار دارد و

کاری را که کرگ، به زور انجام می دهد، رویاه به تدبیر انجام خواهد داد (۱).

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی درباره چگونگی تغییر رییس جمهور یوگسلاوی به نقش مالی - مشورتی آمریکا در این تغییر اشاره می کند و می نویسد: تلاش آمریکا در براندازی رژیم یوگسلاوی نمونه جدیدی از دخالت های آمریکا در کشورهای جهان است. واشنگتن برخلاف دخالت های قبلی، نظیر کودتای نظامی در ایران و گواتمالا، به ترفندهایی متوسل می شود که با دموکراسی غرب سازگاری دارند. آمریکا برای اجرای نقش پیچیده و وسیع خود در انتخابات ریاست جمهوری یوگسلاوی از دوازده ماه قبل از انتخابات، مشاورانی را به آنجا اعزام کرده بود تا به همراه نمایندگان گروه های مخالف رژیم وقت یوگسلاوی، طرح های مختلفی را برای تضعیف (میلوشویچ) به اجرا در آورند و از انواع ترفندهای ظاهرا قانونی برای براندازی او استفاده کنند.

این روزنامه می نویسد: دولت آمریکا برای اجرای این نقشه، یک بودجه ۶۱ میلیون دلاری برای به قدرت رسیدن رییس جمهور جدید در یوگسلاوی اختصاص داد. واشنگتن همچنین حدود ۵۰ هزار قوطی رنگ افشان و ۶۵ میلیون پرچسب با جمله (اگر او تمام است) به یوگسلاوی ارسال کرد. رنگ افشان ها به جوانان صرب داده شد تا برای نوشتن تبلیغات بر روی دیوار شهرها از آنها استفاده شود. همچنین در جهت آماده سازی افکار عمومی برای انتخاباتی که او آخر تابستان سال گذشته برگزار شد، مشاوران آمریکایی هزاران نفر از اعضای

گروه های مخالف میلوشویچ را آموزش دادند. واشنگتن پست در پایان می نویسد: طرح آمریکا در یوگسلاوی به این دلیل با موفقیت توأم بود که زمینه برای چنین تغییری در یوگسلاوی وجود داشت (۲).

اصل سیاسی «پهنه تراسیون پاسیفیک»
 قطعی است که نمی توان اوضاع و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یوگسلاوی و تایلند را حتی شبیه هم دانست و مقایسه کرد. به این سبب، شیوه دخالت کشورهای سرمایه داری در این جوامع نیز کاملا متفاوت بود. ما در قاره های آسیا، آفریقا، آمریکای مرکزی و جنوبی با جوامعی با ساختارهای اقتصادی و بافت های اجتماعی متفاوت سر و کار داریم و به همین علت نیز شیوه دخالت استعمار سرمایه داری در این کشورها متفاوت است (و خواهد بود) اما با توجه به آنچه در ابتدای این نوشتار آمد، می توان به خوبی درک کرد که در هر جامعه معین، استعمار سرمایه داری برای وصول به اهداف خود با استراتژی و تاکتیک متفاوتی وارد عمل شده می شود. هدف اصلی و نهایی سرمایه داری استعماری از حذف و برداشتن موانع سیاسی در مستعمرات و یا کشورهایایی که توانسته اند تا حدی خود را از سلطه سرمایه داری استعماری خارج کنند و امکان دارد بتوانند به استقلال اقتصادی دست یابند، ضمیمه کردن اقتصاد و به دنبال آن سیاست و فرهنگ این کشورها، به طور کامل به نظام سرمایه داری استعماری است. هدف استعمار سرمایه داری این است که بتواند به غارت

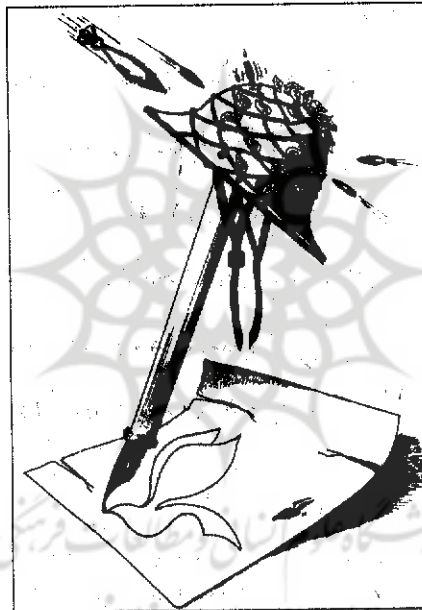
حاصل دسترنج و منابع طبیعی مردم این سرزمین ها ادامه دهد. این هدف در زیر سرپوشی از تبلیغات سیاسی و فرهنگی پنهان می شود. از دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، مدرنیسم، جامعه مدنی، پسامدرنیسم و... سخن گفته می شود، اما مراد اصلی استعمار سرمایه داری و یاران داخلی آن در کشورهای مختلف، مسئله سرمایه، ادامه استثمار مردم محروم و غارت منابع طبیعی به صورت سازمان یافته است.

آنچه که باید به آن توجه شود این است که آمریکا در اجرای برنامه ((استحاله از داخل)) تنها نبوده و نیست. به طور مثال در مورد یوگسلاوی می توان نشان داد که همه کشورهای سرمایه داری اروپای غربی هم پس از حصول توافق با آمریکا و مشخص شدن سهم هر یک از شرکای امپریالیسم جمعی، از همه امکانات سیاسی، مالی، تبلیغاتی و نظامی خود برای از میان برداشتن ((مانع)) در یوگسلاوی با هم همکاری کردند و پادوهارا هم به دنبال خود کشاندند.

یادآوری این نکته بدان منظور نیست که از رژیم حاکم بر یوگسلاوی و یاجنایتی که همه شرکت کنندگان در برخورد های مسلحانه داخلی در آن کشور نسبت به هم انجام دادند، دفاعی شده باشد. تجاوزه نق حیات و حرمت انسان ها جنایت محسوب می شود و مرتکب آن، هر کس و پیرو هر ایدیولوژی و یا دین و آیینی باشد، محکوم است. مسئله اصلی در نوشته حاضر، توجه دادن خوانندگان به استراتژی ((استحاله از داخل)) است که در دهه های اخیر جای کورتا و اقدامات نظامی علنی را گرفته است و در هر جامعه در مطابقت با شرایط موجود اعمال می شود.

استراتژی و تاکتیک استعمار سرمایه داری را در تایلند و یوگسلاوی و همه کشورهای دیگر، نه ژنرال ها و مقامات نظامی، بلکه جامعه شناسان و سازمان های فرهنگی - اطلاعاتی وابسته به استعمار پس از جمع آوری اطلاعات اجتماعی و مطالعه و بررسی دقیق بافت ها و ساختار، زمینه تاریخی، امکانات و اجبارها و تخمین قوای ((متحدین)) و ((موانع)) و ارزیابی زمینه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مساعد و غیر مساعد تعیین کرده و می کنند. بر این اساس، کوشش می شود شیوه ها و شعار های تبلیغاتی ((انتخاباتی)) به صورتی ارائه شود که آزادی مردم عادی از افسار و طبقات مختلف در جهت معینی و برای انتخاب فرد معینی که به صورت قهرمان آزادی و آزادی خواهی و بشر عصر جدید و موجودی با درایت و کفایت فوق العاده و دلسوز به حال همه طبقات، به جامعه معرفی می گردد، سوق داده شود. یک نمونه کلاسیک از این صحنه سازی دموکراتیک

و به قول خودمان شیره مالیدن به سر مردم، جریان انتخابات یلتسین در روسیه به سمت ریاست جمهوری بود. یلتسین به توصیه مشاوران آمریکاییش برای جلب آرای مردم، به مردم روسیه کار، رفاه، آزادی، شکوفایی اقتصادی، استقرار دموکراسی و به طور خلاصه به همه اقشار و طبقات، هر چه را که در لفظی گنجد و عده داد. او، هم در مجامع مذهبی حضور می یافت، هم با پرستاران بنگاه های خیریه می رقصيد، هم با اطفال فقیر و یتیم عکس می گرفت و هم به اهالی هر محل و شهر و دهی که مسافرت می کرد، وعده آبادانی، ترقی، اشتغال و... می داد و با سخنان تملق آمیز کوشش می کرد علاقه و محبت کارگران، کشاورزان، خانم های خانه دار و... را جلب کند. تصاویری در حالت های مختلف که بیشتر شبیه تصاویر قدیسین تپیه می شد، نه فقط زینت بخش



در دیوار شهرها و دهات می شد، بلکه ایستگاه های تلویزیون نیز از یادآوری نبوغ، درایت و شایستگی وی، دچار کمبود الفاظ و تعارفات می شدند... و البته مخارج تمام صحنه سازی های فریب کارانه را سازمان های خارجی و گروه های رانت خوار و ثروتمند داخلی تأمین می کرد.

ناگفته نماند که مسئله کوشش دولت سرمایه داری استعماری برای استحاله نهضت های انقلابی از داخل، امر تازه ای نیست و سال ها است دولت اروپایی با شیوه نفوذ صلح آمیز و آرام از مجاری فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که در ادبیات سیاسی (به نه تراسیون پاسیفیک) (PENETRATION-PACIFIQUE) نام دارد آشنا هستند و آن را به کار می برند.

در حالیکه استراتژی نفوذ و سلطه ایالات متحده آمریکا تا دهه های گذشته در مقابله با نهضت های انقلابی به طور عمد انجام کودتای نظامی و یا به کار بردن زور و قهر به صورت علنی بود و شاید دهه های اخیر نشان می دهد که ایالات متحده آمریکا نیز استراتژی مؤثر، کم خرج، مطمئن و ((دموکراتیک)) دولت استعماری اروپایی را پذیرفته و چند دهه است که این شرکابر خلاف گذشته متحدا عمل می کنند و به هم نان قرض می دهند تا با انجام استحاله ((دموکراتیک)) از داخل به کمک طبقه وابسته به استعمار و گروه هایی از طبقات متوسط و مرفه که بخشی از آنان با دولت استعماری اروپایی و بخش دیگری با آمریکا همکاری و ((دوستی)) دارند، ((موانع)) از میان برداشته شوند. دولت سرمایه داری استعماری اروپا و آمریکا در امر ادامه سلطه و غارت و وسیع مستعمرات و سرزمین های واقع در آسیا، آفریقا و آمریکای مرکزی و جنوبی، نه فقط اختلاف و تضادی با هم ندارند، بلکه با هم شریکند. مغز و شکمشان یکی است و در حالیکه بنا به مصالح روز، در این و یا آن کشور، نقاب زده و نقش رقیب و یا حتی مخالف یا یکدیگر را بازی می کنند، در تقسیم منافع، ((برادرانه و دموکراتیک)) عمل می کنند و به خوش باوری و ساده لوحی کسانی که این صحنه سازی های دیپلماتیک را باور می کنند، در مجالس و محافل خود می خندند.

انتخابات برای تشکیل مجالس مقننه و یا گزینش ریاست جمهوری در همه کشورهای که ((موانع)) یا بر سر کار هستند و یا ممکن است قدرت سیاسی را به دست گیرند، بهترین فرصت برای اجرای بخش مهمی از برنامه ((استحاله از داخل)) با شیوه های ((دموکراتیک)) است تا دخالت های دولت سرمایه داری استعماری با ((سنن دموکراتیک)) غرب سازگار باشد و مردم این سرزمین از خواب خرگوشی بیدار نشوند. برحسب شرایط کشور و جامعه معین و مورد نظر و زمینه های موجود، مقدمات این استحاله از سال ها و یا ماه ها قبل از ((انتخابات)) فراهم می شود. در سرزمین ها و جوامعی که فقر عامه مسئله اصلی و اساسی است، زمینه اجتماعی برای تغییر وجود دارد، در این جوامع، تضادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مانع اجرای دموکراسی به معنای استقرار و تثبیت حاکمیت و مالکیت جامعه است. آنچه اهمیت دارد، جهت و محتوای تغییر است. سؤال اصلی این است که آیا تغییر و یا تغییرات در جهت منافع مردم محروم انجام می شود و یا اینکه اصل داستان تغییر، جابه جایی گروه ها و جناح های سیاسی افسار و ثروتمند و مرفه در حاکمیت

دول سرمایه داری استعماری همیشه خواهان تغییراتی هستند که منافع اقتصادی آنها را تضمین و تثبیت کند و در حقیقت مسئله اصلی و تضاد اصلی، اختلافی است که میان مردم محروم استثمار شده کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای مرکزی و جنوبی با دول سرمایه داری استعماری و طبقه حاکم وابسته به استعمار، در محتوای اجتماعی و اقتصادی ((تغییر)) وجود داشته و دارد.

در استراتژی و تاکتیک ((استحاله از داخل)) و نفوذ و سلطه ((دموکراتیک)) برنامه این است که فردی که موضوع ((مصرف موقت)) است به همه اقشار و طبقات کشورش - از روشنفکران مرغه گرفته تا زحمتکش ترین و محروم ترین افراد، اقشار و طبقات - در قالب الفاظ و شعارهای زیبا و ادیبانه، آینده ای تابناک و برطرف شدن همه مشکلات را وعده دهد تا هر کس از ((ظن خود یار او شود)) و تحت تأثیر سخنان فاضلانه و ادیبانه و شاید شاعرانه این فرد ((شاخص)) اکثریت آرایه دست آید و در پشت هاله تقدسی که به این ترتیب پیرامون فرد مورد نظر ایجاد می شود، شرکت ها و دول استعماری به غارت منابع طبیعی و طبقه وابسته به استعمار، به استثمار و بهره کشی خشن خود ادامه دهند. در حقیقت جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی استعماری، تعیین کنندگان واقعی شعارها و برنامه های انتخاباتی هستند، اما این شعارها به صورتی سازمان یافته و زیرکنانه از جانب نخبگان دست آموز چنان طرح و تبلیغ می شود که گویا صاحب نظران داخلی کاشف و واضع آنها بوده اند!

توصیه هایی برای برگزاری یک انتخابات سالم

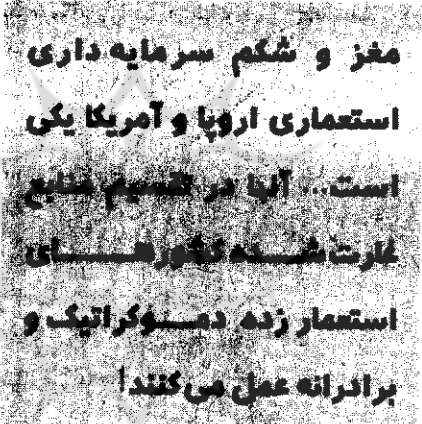
با توجه به این حقیقت که دول سرمایه داری استعماری و پیشاپیش آنان شرکت های بزرگ نفتی خواستار سلطه کامل بر اقتصاد جامعه ما هستند و برای وصول به این مقصود، دولت ((خودشان)) را می خواهند و جامعه ما مصون از توطئه های استعمار سرمایه داری نبوده و نیست، به نظر می رسد محافل استعماری کوشش کنند نمایشنماهی را که در سایر کشورها اجرا کرده اند، دربار ما نیز اجرا کنند. با توجه به این نکات، لازم به نظر می رسد برای جلوگیری و افشای برنامه های استعمار سرمایه داری و یاران رنگارنگش اقدام کرد.

صرف نظر از اینکه باید همه ما، با دقت به تجزیه و تحلیل گفتمانها، حوادث و جریان های تبلیغاتی بهر دایم،

رعایت نکاتی چند می تواند در جهت جلوگیری از ترفندهای سرمایه داری استعماری در جریان انتخاب رییس جمهور برای مردم مفید باشد تا ((تغییر)) در جهت منافع اکثریت مردم محروم و وطن ماصورت گیرد و نه برای حفظ و تثبیت منافع سرمایه داران و استثمارکنندگان خارجی و داخلی.

۱- میزان مخارج انتخابات هر یک از کاندیداها و نام و مشخصات کامل افراد و سازمان هایی که این مخارج را تأمین کرده اند از چند روز قبل از اخذ آراء در مطبوعات و صدا و سیما اعلام شود. عدم اعلام میزان مخارج و نام و مشخصات کامل پرداخت کنندگان به معنای عدم شرکت کاندیدا در انتخابات خواهد بود و آرای احتمالی به نام این کاندیدا باید باطل اعلام شود.

۲- نام ناشرین اوراق انتخاباتی (پوستر، اعلامیه



...)) باید در ذیل اوراق به طور کامل و واضح درج شود. اوراق انتخاباتی و یا پوسترهای بدون امضا از طرف مقامات انتظامی جمع آوری خواهند شد.

۳- هر کاندیدا باید برنامه کامل و دقیق خود را در باره مسائل فرهنگی، سیاسی و بخصوص اقتصادی بیان و اعلام کند.

هر کاندیدا باید نظریات و برنامه های خود را در مورد مسائل اقتصادی زیر بیان کند:

- ۱- از میان برداشتن علل فقر عامه و بیکاری
- ۲- جلوگیری از فرار سرمایه
- ۳- جلوگیری از فرار مغزها
- ۴- از میان برداشتن رانت خواری و سازمان های آنان
- ۵- مبارزه علیه فساد اداری در همه شیون و در سطح همه مقامات
- ۶- مسئله واکذاری کارخانه ها و مراکز تولیدی به سرمایه داران داخلی و خارجی
- ۷- مسئله ورود و یا عدم ورود ایران به سازمان

تجارت جهانی

۸- فعالیت بانک های خصوصی داخلی و بانک های خارجی

۹- مسئله واکذاری معادن کشور و بخصوص نفت و گاز به شرکت های بزرگ نفتی

۱۰- رشد تولید داخلی (کشاورزی و صنعتی)

کاندیداهای زمین مسائل سیاسی نیز باید دیدگاه ها

و برنامه های خود را در موارد زیر به طور شفاف برای

رای دهندگان توضیح دهند:

۱- چگونگی اطلاع دادن به عامه مردم در باب مسائل

اساسی کشور

۲- تشکیل سازمان های قنی (غیر دولتی) برای

کشاورزان، کارگران، معلمان و...

۳- تشکیل احزاب (غیر دولتی)

۴- تشکیل شوراهای

۵- تأمین امنیت مطبوعات و واقعی سازی کارکرد

صدا و سیما

۶- روابط با کشورهای خارجی بخصوص آمریکا

و اسرائیل

در باب مسائل فرهنگی نیز اعلام مواضع و برنامه ها

در سه مورد زیر ضروری است:

۱- مسئله آموزش و پرورش

۲- دانشگاه ها

۳- ایجاد مراکز تحقیقی صنعتی و فرهنگی

سایر موارد:

- هر کاندیدا باید نام معاونین، مشاوران و اعضای

هیأت دولت خود را اعلام کند تا مردم بدانند در رأس

سازمان های دولتی چه کسانی همکار رییس جمهور

خواهند بود.

- کاندیداها باید برای مناظره بار قیابیه صورت علنی

در صدا و سیما اعلام آمادگی کنند و چند روز قبل از اخذ

رای، دو و یا سه نفر از کاندیداها که بیش از دیگران

مورد حمایت سازمان های سیاسی، اجتماعی و مطبوعات

و شخصیت های اجتماعی هستند، در صدا و سیما به

مناظره و مقایسه برنامه های خود بپردازند.

- تبلیغ به هر صورت از رسانه های گروهی دولتی

به نفع کاندیداها ممنوع باشد و به هیچ وجه از بوجه

دولت و یا ساختمان ها و مؤسسات دولتی به نفع

کاندیدای معینی استفاده نشود.

منبع نقل قول ها:

۱- ادیب محمدحسین، آسیب شناسی اصلاح طلبان و

محافظه کاران: اخبار اقتصاد، ۲۵ فروردین ۱۳۷۹

۲- جزئیات طرح آمریکایی سرکوبی میلو شویچ فاش شد،

کیهان، ۲۲ آذر ۱۳۷۹